

Federalism Is Dysfunctional Political System for Iran

فدرالیسم با سیستم سیاسی ایران وفق نمیدهد

There is a form of political system which is known as federalism which is naturally a dysfunctional form of a political system, and it has been defined as “political system in which the power of the state are formally divided between central and regional governments by a written constitution, but in which these governments are linked in an interdependent political relationship.”¹ It means creating multilayer of governments, and complex bureaucracy system. Most importantly, there is an absent of attachment toward a nation, and leading a nation into a civil war. The aim of this paper is to discuss political system of federalism as a root cause of regionalism in Iran, it would be costly to have a federalist system in Iran, and would threaten democracy in Iran.

روش و شکلی از اداره سیاسی کشورها وجود دارد که به فدرالیسم مشهور است و در اصل یک سیستم مضر سیاسی می باشد، این روش با این فکر تدارک شده است که قدرت بین استان ها و حکومت مرکزی و بر اساس قانون اساسی تقسیم شده باشد، اما در اصل این حکومت ها با یک وضعیت لازم و ملزوم (متکی و وابسته) در مسائل سیاسی را بوجود آورند.¹ در واقع به این معنی است که لایه های گوناگونی از حکومت و یک قرطاس بازی (تشریفات اداری بحد افراط) پیچیده می باشد. مهم تر از همه، این روش اداری از ارتباط بین لایه های مردم تهی است و همواره موجب می شود که بین آنها جنگ داخلی رخ دهد. نیت از این گزارش این است تا در مورد سیستم فدرالیسم و ریشه های آن و ارتباط های منطقه آن در ایران گفتگو شود، بسیار پر هزینه است که ایران با یک روش فدرالیسم اداره شود زیرا فدرالیسم دشمن دموکراسی خواهد شد.

This portion of the paper is discussing political system of federalism as a root cause of regionalism in Iran. Simply by looking at countries like Canada that it has adopted federalism as a form of political system, and it is promoting regionalism “refers to the territorial dimension of the Canadian community, according to which particular areas or regions of the country are distinguished from others by political, economic, historical, cultural, and linguistic characteristics.”²

این بخش از این پژوهش در باره ریشه های سیستم فدرالیسم و تقسیمات کشور و ناحیه گرایی در ایران سخن می راند. به زبان ساده با نگاهی به یک کشور مثل کانادا که از نظر سیاسی به روش فدرالیسم اداره می شود و ناحیه گرایی را تشویق می کند می اندازیم که آنرا با عنوان «مناطق و اجتماعات کانادا مشهورند و بطور اخص نواحی و اراضی هستند که به دلیل سیاسی از دیگران قابل تفکیک می باشند این شامل مسائل اقتصادی، تاریخی، فرهنگی و زبانی می باشد»²

1 - Kenneth Kernaghan, David Siegel. Public Administration. Fourth Edition. Toronto: International Thomson Publishing. 1999. PG 462

2 - Kenneth Kernaghan, David Siegel. Public Administration. Fourth Edition. Toronto: International Thomson Publishing. 1999. PG 464

Today, Canada is having very tough times to keep Canada as one nation. Province of Quebec has been contemplating "Quite Revolution" since 1944 to separate from Canada.³ In 1963, left wing faction formed Front de liberation du Quebec and engaged in terrorism act against English residence of Quebec. In 1970, the above entity kidnapped James Cross who was a British Trade Commissioner to Canada, and the above entity killed James Cross. Subsequently, former prime minister of Canada Pierre Trudeau called for War Measure Act to crack down on the above entity which ended a decade of terrorism in the Province of Quebec.⁴

امروز، کانادا برای نگهداری استان کبک که از تاریخ ۱۹۴۴ دارای یک تفکر و تامل «انقلاب آرام» برای جدا شدن از کانادا است به روزگار دشواری گرفتار آمده است.^۳ در سال ۱۹۶۳ طرفداران چپ «جبهه آزادی کبک» را تشکیل دادند که دست به تروریسم زدند و علیه انگلیسی زبان های مقیم کبک اقدام می کردند. در سال ۱۹۷۰ همان سازمان شخصی بنام جیمز کراس، که یک تاجر وابسته به انگلستان بود، را ربودند و سپس اوراکشتند. در نتیجه نخست وزیر پیشین کانادا؛ پیر ترودو با اتخاذ یک تصمیم حاد، اعلام جنگ علیه این گروه کرد و به تروریسم ده ساله آنان پایان داد.^۴

Residences of Quebec never see themselves as a Canadian, but as a French person and a "distinct society" due to their linguistic and cultural background which makes French residences in Canada as a distinct society. Moreover, Province of British Columbia, Province of Alberta, Province of Saskatchewan and Manitoba always feel that they are left outside of Canada, and have been trying to separate from rest of Canada, it is known as "Western Alienation". The above provinces feel left outside of Canada because federal government is always allocating development funds in Province of Quebec in order to keep residences of Quebec happy and keeping unemployment rate low and would not separate from Canada, and other provinces feel financial pressure on their shoulders.⁵

اکثر شهروندان و مقیمین کبک هرگز خودشان را از جمله کانادایی ها نمی دانند، و خود را یک «جامعه متمایز (مجزا)» میدانند زیرا معتقدند زبان و فرهنگ آنها که از فرانسه الهام گرفته شده است آنان را «متمایز» می کند. بالاتر از این، ایالت بریتیش کلمبیا و آلبرتا و همچنین ایالت های ساسکاچوان و مانیتوبا، همواره این احساس را دارند که از این غافلانه عقب مانده و خود را فراموش شده می پندارند، این ایالات هم در پی آن بودند تا از بقیه کانادا جدا شوند و خود را «غربیان نا همبسته» می پندارند. استان های نامبرده بالا چنین احساس می کنند که بیرون از کانادا قرار دارند زیرا دولت فدرال بیشتر بازسازی ها و پیشرفت ها را برای استان کبک پیش بینی می کند تا آنها را قانع کند و میزان بیکاری را پائین نگاهدارند تا مانع از فکر جدا شدن کبک از کل کانادا بشوند، این قضیه سایر استان های کانادا را تحت فشار اقتصادی قرار می دهد.^۵

Iran is composed of diverse ethnic background, and concept of nation-state would dissipate during national crisis because everyone is attached to their own region and should not be concern with other regional issues since these regions do not share common background. Also, predicting future federal system for Iran would be evident

³ -Brooks, Stephen. Canadian Democracy: An Introduction. 2nd Edition. TO, ON: Oxford University Press. 1994. PG 135

⁴ -Brooks, Stephen. Canadian Democracy: An Introduction. 2nd Edition. TO, ON: Oxford University Press. 1994. PG 135

⁵ -Brooks, Stephen. Canadian Democracy: An Introduction. 2nd Edition. TO, ON: Oxford University Press. 1994. PG 135

that each province of Iran wanted to have oil revenue in their region for developmental reasons, and Province of Khuzestan would be reluctant to share its oil revenue with other provinces in Iran. Obviously, the above scenario would lead to ultimate disintegration of Iran.

ایران از یک سری لایه های خانوادگی متفاوت تشکیل شده است و یک چنین تقسیم بندی استانی موجب پراکندگی و بحران و فاجعه ملی خواهد شد؛ زیرا هرکسی خود را به منطقه خود وابسته می داند و به مشکلات دیگر استان ها اهمیت نخواهد داد زیرا از پشتوانه یکسانی بهره نمی گیرند. همچنین، پیش بینی یک سیستم فدرال برای آینده ایران به روشنی نشان می دهد استان های دیگر هرکدام سهمی از درآمد نفت را برای منطقه خودشان می خواهند تا قادر به بازسازی و پیشرف باشند. در این راستا استان خوزستان مایل نخواهد بود تا سهم در آمد نفت منطقه خود را با دیگر استان های ایران تقسیم کند. به روشنی می بینیم که سناریویی به صورتی که در بالا به آن اشاره شد در نهایت در ایران به تکه پاره شدن، از هم پاشیدگی و تجزیه کشور ما منجر خواهد شد.

It would be costly to have a federalist system in Iran. Currently, Canada is a federal political system, and it requires to have two parliaments to deal with affairs of governments. One would be provincial parliament of each province, and last one would be federal government. Each province would have intergovernmental relation departments "the network of intergovernmental structure includes separate departments or other administrative units within governments, administrative units within individual departments, intergovernmental secretariats, and a large number of intergovernmental committees."⁶ Most importantly, "federalism has been cited as a major reason for the weak policy capacity of governments in many policy sectors in Australia, Canada, and the United States. It has constrained these states' capacity to develop consistent and coherent sectoral policies. In these countries, national policies in most areas require intergovernmental agreement, which involves the federal and provincial or state governments in complex, extensive, and time consuming negotiations with no guarantee that these negotiations will conclude in the manner envisioned by the initiating government."⁷ Thus, this would be a perplex bureaucracy system which would be confusing for political actors to participate in a health and vibrant political life, and would open the door for elite of a society, as well as, technocrat to engage in politics, and as James Burnham mentioned that elite of the society, and technocrat are "ruler of society" which would be a threat to democracy.⁸

سیستم فدرالیسم برای ایران بسیار پر هزینه خواهد بود. در حال حاضر کشور کانادا با سیستم فدرالیسم اداره میشود که ناگزیر دارای دو مجلس نمایندگان برای رسیدگی بهر موضوع و موردی است. یکی مجلس نمایندگان هر ایالت است و سپس در آخر، موضوع به مجلس نمایندگان فدرال برای تصویب نهایی ارسال میشود. هر ایالت دارای اداره ویژه روابط داخلی دولتی است. "رشته های ادارات روابط داخلی ایالات ناگزیر از سایر ادارات روابط داخلی ایالات دیگر جدا هستند و همچنین است بنیاد سایر دستگاههای اداری و دبیر خانه ها و کمیته ها"⁶ مهمتر از این "فدرالیسم بعنوان علت اصلی استعداد سیاسی بسیار ضعیف دولت در بسیاری از شاخه های تصمیم گیری سیاسی در استرالیا، کانادا و ایالات متحده آمریکای شمالی، شناخته شده است. نتیجه این روش، تحمیل فشار بر استعداد توسعه و عدم هم آهنگی در شعبات سیاسی را موجب گردیده است. در این کشور ها اتخاذ سیاست ملی لازم است از مجرای پر پیچ و خم و مباحثات طولانی و وقت گیر حکومتای ایالتی و موافقت همگانی ایالات و سپس تصمیم حکومت فدرال بگذرد، ضمن اینکه هیچ تضمینی هم

⁶ - Kenneth Kernaghan, David Siegel. Public Administration. Fourth Edition. Toronto: International Thomson Publishing. 1999. PG 470

وجود ندارد که بالاخره منظور اصلی حکومت پیشنهاد کننده، برآورده شده باشد.^۷ بنابراین، سیستم فدرال یک قرطاس بازی گنج کننده ایست که بازیگران سیاسی را چنان سر در گم میکند که از عهده کار سیاسی صحیح و با ارزش بر نمی آیند، درحالیکه در را بروی روشنفکران اجتماع میگذراید و همچنین دست دولتمردان را به دخالت در امور سیاسی باز میکند. چنانکه جیمز برونهام گفته است، "روشنفکران جامعه و دولتمردان "حکمران اجتماع" میشوند که تهدیدی است برای دموکراسی"^۸.

The federalist political system would be a threat to democracy which is current experience in Canada as "the provincial party systems are not necessarily identical to their federal counterparts. Provincially, as federally, the classic two-party system is found consistently only in the Atlantic provinces, where third parties rarely win more than 5 percent of the vote. Federal and provincial parties of the same name generally have separate elites, organizations and financial support. Only in the Atlantic provinces are federal/provincial party ties fairly integrated. For this reason, a federal party cannot assume ideological congruence or policy support from its provincial counterparts."⁹ Therefore, elected member of a parliament is not truly reflecting a conventional wisdom of a society, and would allow elite of the society to dominate public policy which would lead to lack of representation of minority group in a democrat nation, and Iran would not be immune from above scenario.

روش فدرالیسم که امروزه در کانادا بکار گرفته شده تهدیدی به دموکراسی مییابد چون بعنوان دولتهای محلی لازمه اش این نیست که با سیاست حکومت فدرال هم خوانی داشته باشند، در دولت فدرال وجود سنتی دو حزب سیاسی که تنها در ایالات کناره اقیانوس اطلس قرار دارند، حزبهای سوم به ندرت ۵ درصد از آراء را بدست میآورند. ولی تنها در این ایالات است که نسبتاً حکومت فدرال و دولتهای ایالتی تا حدی با یکدیگر آمیزش و تفاهم دارند، و درضمن احزاب فدرال و ایالتی، عموماً روشنفکران، منابع مالی و دستگاه اداری و پشتیبانی جداگانه خویش را دارهستند. بهمین دلیل است که احزاب فدرال نمیتوانند انتظار پشتیبانی شعب حزب در ایالات را داشته باشند.^۹ بنابراین نمایندگان انتخابی مردم نمیتوانند به پشتیبانی احزاب ایالتی تکیه کنند و بهمین سبب قادر نیستند انتظار رای دهندگانشان را درباره اعمال ایده نولوژی سیاسی، برآورده سازند، و با این ترتیب روشنفکران بررهبری سیاسی جامعه مسلط میگردند، که موجب عدم حضور گروه های اقلیت در یک کشور دموکرات میگردد، و ایران نخواهد توانست از این سرنوشت برکنار ماند.

All in all, the federal political system is a dysfunctional political system which does not allow a nation to be united, and particularly during financial crisis, each province would go on their own separate way, and would not share their wealth with other provinces. Also, Iran needs to act on "guardian rule" on treasury issue which means it would save money, pay deficit, create jobs in order to reduce unemployment rate, and lowering inflation rate, and by having a complex bureaucracy system, it would exhaust all of Iran's national revenue, and this federal system would be too costly to manage.

⁷ -Howlett, Michael, M.Ramesh. Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems. Second Edition. Canada: Oxford university Press 2003. PG 62

⁸ -Kenneth Kernaghan, David Siegel. Public Administration. Fourth Edition. Toronto: International Thomson Publishing. 1999. PG 31

⁹ -Jackson J. Robert & Doreen Jackson. Politics in Canada. 4th Edition. TO, ON: Prentice-Hall Canada. PG 381

Eventually, public would demand for downsizing government which was the case in 1995 in Province of Ontario. Most importantly, the federal system is a threat to democracy, as it would further marginalize minority group in a province, and would not allow minority group to become a political actor and take part in political life.

رویه‌رفته، روش سیاسی فدرال، سیستم نا کار آمد سیاسی است که مانع اتحاد ملت بویژه هنگام بروز نابسامانیهای مالی میشود، چه هر ایالتی راه جداگانه خویش را درپیش میگیرد، و آماده نیست سایر ایالات را در ثروت ایالت خود شریک سازد. همچنین ایران لازم است در باره روش توزیع منابع ثروت با روش "قیمومت" عمل کند، که نه تنها از هزینه ها می کاهد بلکه نرخ تورم را مهار میکند، در صورتیکه با استقرار سیستم فدرال که با هزینه اداری بسیار گزافی همراه است، درآمد ملی بهدر میرود. در نتیجه عامه مردم فشار میآورند تا از هزینه های دولتی کاسته شود، کاملاً همانند آنچه که در سال ۱۹۹۵ در ایالت اونتاریوی کانادا به وقوع پیوست. و مهمتر اینکه سیستم فدرال، دموکراسی را تهدید میکند، چه بیش از پیش در ایالات، اقلیتها رابه کنار زده و اجازه نمیدهد که آنها در امور سیاسی ایالت خود نقشی دارا شوند.

On November 22nd, 2008 His Imperial Majesty Reza Pahlavi Shah II mentioned during His Imperial Majesty interview that during time when His Imperial Majesty was residing in Iran, as His Imperial Majesty, Light of Aryan, King of Kings Mohammad Reza Pahlavi I governed Iran, there was no issue of ethnicity or religious issues, it was the current regime has begun to label citizen of Iran with ethnicity and religious background.

در بیست و دوم ماه نوامبر سال ۲۰۰۸ اعلیحضرت رضا پهلوی دوم، فرمودند در سالهای حکومت اعلیحضرت محمد رضاشاه آریا مهر، مسئله ای بنام اقلیتها ی قومی ومذهبی جود نداشت بلکه این حکومت فعلی است که این برچسب را به اقلیتهای قومی ومذهبی زده است.

Quite frankly, the current regime in Iran is using ethnicity and religious background as an instrument to divide Iranian and not allowing them to be one united force against establishment in Iran. Henceforth, it would be in best interest of all Iranian not allow enemy's deceptive public policy to infiltrate among Iranian, and to become one force against the regime in Iran.

حقیقتاً و آشکارا، حکومت فعلی ایران از برچسب اقلیتها برای تفرقه افکنی و عدم اتحاد بین ایرانیان بمنظور حفظ خود سوء استفاده میکند. بنابراین نفع کامل کلیه ایرانیان در این استکه اجازه ندهند که سیاست فریب کارانه حکام امروزی به جمع آنان رخنه کند ، بلکه همگی بصورت نیروئی منسجم علیه حکومت فعلی درآیند.

Payandeh Iran/Long Live Iran

پاینده و جاوید باد ایران

Copyright © 2008 Sarbazan and Janbakhtegan Organization

حق چاپ: سازمان سربازان و جان باختگان

Copyright infringement shall be subject to prosecution

تحاشی از حق چاپ موجب تعقیب قانونی است